

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۳۱

تاریخ تأیید: ۹۰/۳/۹

تحلیل گفتمانی تصویر «دیگری» در مطبوعات حزب توده (۳۱-۱۳۲۹)

نوشتۀ

مریم مظفری پور*

دکتر سید محمد علی تقوی**

دکتر سید حسین اطهری***

چکیده

پس از شهریور ۱۳۲۰ و با افول گفتمان پهلویسم، نیروهای رها شده از سرکوب در عرصه سیاسی حضور یافتند و کوشیدند تا ساماندهی جامعه ایرانی را در اختیار بگیرند. به این ترتیب، جامعه به صحنه منازعه گفتمان‌های مختلف ملی‌گرا، مذهبی - سیاسی و مارکسیستی تبدیل شد. هر یک از این گفتمان‌ها که در تضاد با یکدیگر هویت می‌یافتند سعی می‌کردند تا با برجسته‌سازی برخی مفاهیم و به حاشیه‌راندن برخی دیگر، به چالش با «دیگری» در افکار عمومی برخیزند. در این میان، حزب توده توانست خود را به‌عنوان یک گفتمان قدرتمند مطرح کند و بخشی از نیروهای بریده از گفتمان هژمونیک را به سمت گفتمان خود سوق دهد. هدف این مقاله بررسی تصویری است که نشریات حزب توده طی سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ از «دیگری»‌های خود برای مخاطبان ترسیم می‌کردند. بررسی این نشریات نشان می‌دهد که در گفتمان حزب توده تا سال ۱۳۳۱، جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق بیش از سایر گروه‌ها آماج خصومت بود. حزب توده در جریان پردازش گفتمان ویژه خود دال‌های شناوری مانند «ملت»، «حکومت ملی»، «منافع ملی»، «قانون»، «پیشرفت و ترقی»، «استقلال»، «دموکراسی»، «امنیت»، «آزادی» و «صلح» را از حوزه گفتمان‌گویی وارد نظام معنایی خود ساخت و بدان‌گونه که مورد قبول فضای گفتمانی «خود» بود به آن‌ها معنا بخشید تا در چالش با دیگری، بتواند از هویت خود دفاع کند و نیروها و طبقات مختلف اجتماعی را جذب کند.

کلید واژه: حزب توده، گفتمان، خود و دیگری، جبهه ملی.

* کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد mozassari.mm@gmail.com

** استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد sma_taghavi@yahoo.com

*** استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد shaphari@yahoo.com

مقدمه

یکی از موضوعاتی که طی سال‌های اخیر توجه بسیاری را در ادبیات سیاسی به خود جلب کرده است، مقوله "غیریت" یا "دیگری" است. این موضوع در اندیشه‌های لکلا و موف جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. این دو اندیشمند به منظور پاسخ به این سؤال که هویت‌های متکثر، چند پاره، کدر و متن‌گریز چگونه در یک گفتمان به وحدت می‌رسند، از مفهوم "ضدیت" سود می‌جویند. به گمان آن‌ها، گفتمان‌ها از طریق ایجاد مرزهای سیاسی و "ضدیت" میان "ما" و "دیگری" هویت خود را کسب می‌کنند. ضدیت و تقابل معانی بین "خود" و "دیگری"، هویت آن دو را شکل می‌دهد و اگر "دیگری" نباشد، از "هویت"، "خود" نمی‌توان سخن گفت (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۴).

پژوهش حاضر بر آن است تا "غیریت" یا "دیگری"‌هایی را که در مقابل حزب توده طی سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ قرار داشته‌اند، از خلال تحلیل روزنامه‌ها و نشریات حزب مذکور طی سه سال یاد شده، بازشناسی نماید. به این منظور از روش تحلیل گفتمان لکلا و موف در توضیح "غیریت" بهره‌جسته می‌شود. حزب توده که به‌عنوان وارث سوسیال دموکراسی عهد مشروطه و سپس "حزب کمونیست ایران" در مهرماه ۱۳۲۰ پایه‌گذاری شد، در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم که اتحاد جماهیر شوروی در صحنه بین‌المللی حضور خود را به‌عنوان یک ابرقدرت اعلام داشت، توانست به‌سرعت به یک حزب منسجم در صحنه سیاست و فرهنگ ایران تبدیل شود. این پژوهش ما را یاری خواهد کرد تا درک دقیق‌تری از فضای گفتمانی کشورمان در آن سال‌ها، به‌ویژه از منظر حزب توده، به‌دست آوریم. این سال‌ها دربردارنده حوادث مهمی، همانند استقرار دولت ملی مصدق، ملی شدن صنعت نفت و ناکامی شاه در تحمیل دولت خود در ۳۰ تیر ۱۳۳۱، در تاریخ کشورمان بوده‌اند.

در این مقاله، پس از بیان مختصر چارچوب نظری و روش پژوهش، فضای گفتمانی سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ به‌صورت مجمل مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس به‌طور مفصل، تصویری که حزب توده از "دیگری"‌های خود در نشریات وابسته به خویش ارائه می‌کند بررسی می‌شود.

چارچوب نظری و روش پژوهش

تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) که امروزه به‌گرایشی بین‌رشته‌ای (interdisciplinary) در علوم اجتماعی تبدیل شده است ریشه در جنبش انتقادی ادبیات، زبان‌شناسی (نشانه‌شناسی)، تأویل‌گرایی، هرمنوتیک گادامر و تبارشناسی و دیرینه‌شناسی میشل فوکو دارد. این نظریه اساساً در زبان‌شناسی متولد شد و تاکنون مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. در سال ۱۹۵۲ زیگموند فریود، زبان‌شناس ساختارگرای آمریکایی، بررسی واحدهای بزرگ‌تر از "جمله" را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار داد و آن را تحلیل گفتمان نامید (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). تحلیل

گفتمان در زبان‌شناسی را می‌توان در قالب تحلیل گفتمان ساختگرا، تحلیل گفتمان نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی مورد بررسی قرار داد. اگرچه در تحلیل گفتمان انتقادی، مفهوم گفتمان بسیار فریه‌تر از دو رویکرد دیگر است، ولی وجه مشترک همه آن‌ها این است که زبان بزرگ‌تر از گفتمان به‌شمار می‌آید.

نوع دیگری از نگرش به گفتمان در حوزه اندیشه سیاسی توسط میشل فوکو در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد. بر اساس این نگرش، گفتمان نه تنها بزرگ‌تر از زبان است، بلکه کل حوزه اجتماع را دربر می‌گیرد و نظام‌های حقیقت (regimes of truth) را بر سوزدها یا فاعلان اجتماعی تحمیل می‌کند. به نظر فوکو گفتمان‌ها متشکل از علامات‌اند، اما کاربرد این علامات بیشتر برای نشان دادن و برگزیدن اشیا است و همین ویژگی آن‌ها را غیر قابل تقلیل به زبان، سخن و گفتار می‌کند. گفتمان نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌تواند گفته یا درباره‌اش فکر شود، بلکه به این مسئله که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند نیز می‌پردازد.

ارنستو لکلا و سنتال موف با تلفیق مارکسیسم و ساختارگرایی نظریه گفتمان دیگری را شکل دادند (Jorgensen & Philips, 2002: 25) که در واقع بسط نظریه گفتمان فوکو در حوزه فلسفه سیاسی-اجتماعی است. آن‌ها با به‌کارگیری نظریات متفکرانی چون سوسور، دریدا، بارت، لاکان، گرامشی و آلتوسر نظریه کارآمدی را برای تبیین فرایندهای سیاسی و اجتماعی شکل دادند.

لکلا و موف معتقدند که معنی دار بودن اشیا و اعمال مستلزم آن است که جزیی از یک گفتمان باشند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶). به عبارت دیگر، هیچ چیز به خودی خود دارای هویت نیست (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۳)، بلکه معنای هر رفتار در ارتباط با یک گفتمان خاص قابل درک است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۴۰). در هر گفتمان یک "دال مرکزی" (nodal point) وجود دارد که سایر نشانه‌ها حول آن مفصل‌بندی شده و معنا می‌گیرند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۰۸). در مقابل، "دال‌های شناور" (floating signifiers) نشانه‌هایی هستند که فاقد معنای مشخصی بوده و سبب سردرگمی و ابهام می‌شوند. گفتمان‌هایی که بتوانند با جذب این دال‌ها به ابهام و خلأ معنایی موجود پایان بخشند، در دسترس عاملان اجتماعی قرار می‌گیرند و امکان هژمونیک شدن آن‌ها فراهم می‌شود (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵-۵۱۴). دال‌ها به خودی خود بی‌معنا هستند تا اینکه در عمل "مفصل‌بندی" بین آن‌ها و سایر نشانه‌ها ارتباط برقرار شود (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۲)، و در یک "زنجیره هم‌ارزی و متفاوت" (chain of equivalence and difference) با این نشانه‌ها که آن‌ها را از معنا پر می‌کنند، قرارگیرند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۱).

نشانه‌هایی که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده و به هویت و معنایی موقت دست یافته‌اند "وقته" (moment) خوانده می‌شوند. از سوی دیگر، "عناصر" (elements) دال‌های شناوری هستند که معنای آن‌ها تثبیت نشده و هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند. گفتمان‌های مختلف سعی در معنادگی به عناصر دارند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۰). در این‌جا لازم

است به اصطلاح "حوزه گفتمان‌گونی" (field of discursivity) نیز اشاره شود. این حوزه مخزنی است از معانی اضافه و بالقوه، در بیرون از یک منظومه گفتمانی خاص. حوزه گفتمان‌گونی دربردارنده مفاهیمی است که از یک گفتمان طرد شده‌اند تا یک‌دستی معنایی در آن گفتمان حفظ شود. نکته مهم آن است که حوزه گفتمان‌گونی، مواد لازم برای مفصل‌بندی‌های جدید را مهیا می‌کند (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵۱۸).

هر گفتمان در نزاع با گفتمان‌هایی است که سعی دارند واقعیت را به گونه‌ای دیگر تعریف کنند و خط‌مشی متفاوتی برای عمل اجتماعی ارائه دهند (ر.ک. هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۵). به گفته لکلا و موف، تضادها محدوده جامعه را می‌سازند (Laclau, E. & Mouffe, 1985: 125). هویت‌های اجتماعی در بستر تضادهای اجتماعی شکل می‌گیرند (Torfin, 1999: 14). در ارتباط با دیگران است که مشخص می‌شود ما که هستیم و در فرایند اجتماعی چه کسی می‌شویم (Smith, 1998: 151). در اندیشه لکلا همچون دریدا، مفهوم "دیگری" اهمیتی اساسی و ریشه در این عقیده پسا‌ساخت‌گرایانه دارد که آگاهی از یک سوژه عقلانی، بر پایه پس‌زدگی یا تنزل شأن دیگری استوار است. در سراسر ساختارهای گفتمانی در همه سطوح، ما شاهد مثبت نشان دادن گروه "خود" و منفی نشان دادن گروه "وقیب" یا "دیگری" هستیم. مطابق این الگو، "ما" با "آن‌ها" مقایسه می‌شود. یعنی همواره عبارات مثبت مانند حقیقت و درستی به "ما" نسبت داده می‌شود و در مقابل، صفات منفی، انحراف‌ها و محدودیت‌ها به آن‌ها منتسب می‌شود (ون‌دایک، ۱۳۸۷: ۴۳۷). ضدیت میان گروه‌های اجتماعی و گفتمان‌ها باعث قطبی شدن ذهنیت، گفتار و رفتار سوژه‌ها می‌شود و در نتیجه، واقعیت بین قطب مثبت "ما" و قطب منفی "آن‌ها" سامان می‌یابد. قطبیت، باعث برجسته شدن بخش‌هایی از واقعیت و به حاشیه رانده شدن بخش‌های دیگر آن می‌شود (ر.ک. به کسرای و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۸).

این پژوهش، نشریات و روزنامه‌های حزب توده در سال‌های ۱۳۳۱ - ۱۳۲۹ را دربر می‌گیرد. طی این سال‌ها، حزب توده بیش از هشتاد عنوان نشریه و روزنامه منتشر می‌کرد که بعضی از آن‌ها مانند به‌سوی آینده، شهباز، رزم و نامه مردم ارگان رسمی این حزب محسوب می‌شدند و ارتباط برخی دیگر با حزب، غیرمستقیم یا غیرعلنی بود. به‌طور طبیعی بررسی تمام این نشریات در این تحقیق میسر نبود. به‌علاوه، بسیاری از این نشریات در دسترس نبودند یا به علت آسیب‌دیدگی شدید در اختیار پژوهشگران قرار نگرفتند. از میان نشریات قابل دسترس، باید آن‌هایی انتخاب می‌شدند که افکار و برنامه‌های حزب توده را بهتر نشان می‌دادند. به‌این ترتیب، چهار نشریه به‌سوی آینده، شهباز، آخرین نبرد و چلنگر برای انجام تحقیق انتخاب شدند. گزاره‌های اساسی و نیز جملات و عبارات کلیدی که مشخص‌کننده دیگری‌های حزب توده‌اند در چهار نشریه اخیر جست‌وجو شدند.

روزنامه به‌سوی آینده با مدیریت محمود ژندی از تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منتشر می‌شد که البته شمارگان مربوط به تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲ بهمن

۱۳۳۱ در کتابخانه ملی ایران موجودند و در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند. روزنامه شهپاز که رحیم نامور مدیر مسئول آن بود از آذر ۱۳۳۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انتشار می‌یافت. شمارگان این روزنامه از تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۳۰ تا ۳۰ بهمن ۱۳۳۱ در کتابخانه ملی ایران موجودند و از آن‌ها در این پژوهش استفاده شده است.

روزنامه آخرین نبرد از جمله روزنامه‌هایی بود که به هنگام توقیف روزنامه به‌سوی آینده (و برای مدت طولانی نسبت به دیگر روزنامه‌های جایگزین) به‌جای این روزنامه منتشر می‌شد. آخرین نبرد با مدیریت ش. اعلامی از تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۳۰ تا ۲ خرداد ۱۳۳۱ منتشر می‌شد و در این تحقیق از آن استفاده شده است. هفته‌نامه چانگر نیز از اهم نشریات این دوره به شمار می‌آید که در قالب اشعار، فکاهیات و داستان‌های سیاسی و اجتماعی، مضامین و تفکر مورد نظر خود را به مخاطب انتقال می‌داد. مدیریت این هفته‌نامه را محمدعلی رادباز قلعه‌ای (افراشته) برعهده داشت که از تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در روزهای پنج‌شنبه آن را منتشر می‌کرد. کتابخانه مجلس شورای اسلامی شمارگان مربوط به دوره اسفند ۱۳۲۹ تا اسفند ۱۳۳۱ این هفته‌نامه را در اختیار داشت که از آن‌ها در این تحقیق استفاده شد.

احزاب و گروه‌های فعال سال‌های ۱۳۳۱ - ۱۳۲۹

با فروپاشی خودکامگی رضاشاه و افول گفتمان پهلویسم، فضای گفتمانی کشور دستخوش دگرگونی بنیادینی شد. گفتمان مذهب که از حوزه سیاست بیرون رانده شده بود دوباره به این حوزه بازگشت. مردم‌سالاری و لوازم آن مانند حکومت مردم، آزادی، قانون‌گرایی و نفی استبداد و سلطه خارجی با نوعی ملی‌گرایی پیوند خورد و به مؤلفه‌های گفتمان غالب بدل شد. توجه به بهبود شرایط اقتصادی به‌ویژه معیشت توده‌ها نیز اهمیت یافت.

پس از شهریور ۱۳۲۰، در فضای سیاسی ایران گشایشی به‌وجود آمد که موجی عظیم از فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی را به دنبال داشت. احزاب و گروه‌های مذهبی نظیر فدائیان اسلام، حزب توده، جبهه ملی و نیز گروه‌های سیاسی کوچک‌تری مانند حزب ایران، حزب پان‌ایرانیست و غیره در این دوران فعالیت داشتند. حزب توده، سازمان‌یافته‌ترین و پایدارترین این احزاب به‌شمار می‌آمد. با اینکه کمونیست‌ها در هیئت مؤسسان این حزب، اکثریت را تشکیل می‌دادند، نام آن را نه حزب کمونیست، بلکه «حزب توده» گذاشتند (جاسبی، ۱۳۸۱: ۸-۵۷) تا حساسیت کمتری در میان مردم مذهبی ایران ایجاد کند و بتواند در جامعه ایران پایگاه اجتماعی به‌دست آورد (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۸۹).

در برنامه‌ای که حزب در ابتدای تشکیل خود (ابتدای دهه بیست) ارائه داد زبان بلشویستی چندانی مشاهده نمی‌شد. در این برنامه بر لزوم محو «بقایای دیکتاتوری رضاشاهی، حمایت از قانون اساسی، آزادی‌های مدنی و حقوق بشر، حفظ حقوق شهروندان به‌خصوص توده مردم و مشارکت در مبارزه جهانی دموکراسی بر ضد توحش و فاشیسم تأکید شده بود» (آبراهامیان،

۱۳۷۷: ۳۴۷). چنین وضعیتی در مرامنامه حزب که در نخستین کنگره آن در تاریخ ۱۰/مرداد/۱۳۲۳ تصویب شد نیز مشاهده می‌شود (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۸: ۹-۵۸).

حزب توده به سرعت موفق به ایجاد سازمان‌ها و گروه‌های متعددی (مانند سازمان‌های زنان، جوانان، دهقانان و افسران) شد که در سراسر ایران فعال بودند. اما فعالیت‌های علنی حزب، چندان به درازا نکشید و بلافاصله پس از سوء قصد به جان محمدرضا شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ فعالیت‌های این حزب ممنوع اعلام شد. «حزب توده پس از ممنوعیت، به‌طور غیر قانونی و با بهره‌گیری از سازمان‌های جنبی علنی خود، به حیات سیاسی ادامه می‌دهد و در حوادث کشور نقش مهمی ایفا می‌کند» (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۸: ۵-۴۴).

نکته حائز اهمیت این است که حزب توده در این دوره، در صحنه مبارزه علیه طبقه حاکم، با رقیبی روبه‌رو شد که در میان مردم از محبوبیت زیادی برخوردار بود: جبهه ملی که «در گرماگرم مبارزات برای آزادی انتخاب نمایندگان دوره شانزدهم مجلس در تاریخ مهر ماه ۱۳۲۸ به رهبری دکتر مصدق و با حمایت آیت‌الله کاشانی تشکیل شد» (جامی، ۱۳۷۷: ۴۹۵). این جبهه از سوی گروه‌ها و احزابی مانند حزب ایران، حزب زحمتکشان، مجمع مسلمانیان مجاهد، حزب پان‌ایرانیست، نهضت خدایپرستان سوسیالیست و جمعیت فدائیان اسلام حمایت می‌شد (زعیم، ۱۳۷۸: ۹۱-۸۶). فشار جمع کوچک نمایندگان این جبهه در مجلس شانزدهم برای تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت، نه تنها به تصویب طرح قانونی مربوط به آن در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ منجر شد، بلکه طبقه حاکم را نیز مجبور کرد که در اردیبهشت ۱۳۳۰ مقام نخست وزیری را به دکتر مصدق بسپارد (شیرازی، ۱۳۸۶: ۶۶). طی ۲۸ ماه دولت دکتر مصدق، حزب توده با اینکه هنوز به‌طور رسمی ممنوع بود، لکن در عمل از آزادی نسبتاً گسترده‌ای بهره می‌برد.

در همین سال‌ها، نیروهای مذهبی هم به تدریج برای تحکیم موقعیت مذهب و مقابله با لامذهبی‌ت‌های پدید آورده شدند. گروه‌های نظیر نهضت خدایپرستان سوسیالیست، انجمن تبلیغات اسلامی، اتحادیه مسلمین، جامعه تعلیمات اسلامی و سایر تشکل‌های مذهبی - سیاسی در مشهد، اصفهان، شیراز و... از جمله گروه‌های مذهبی فعال بودند. در این میان، نهضت خدایپرستان سوسیالیست و جمعیت کوچک فدائیان اسلام که برای پیشبرد اهداف خود به از میان برداشتن معاندان مبادرت می‌ورزیدند از اهمیت بسیاری برخوردار بودند (رک. به مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵: ۸۷-۵۵).

در کنار این گروه‌ها، دسته دیگری از احزاب وجود داشتند که به‌صورت فرمایشی و بدون مبنای فکری و اعتقادی و بی‌اتکا به حمایت مردمی و اجتماعی، از سوی حکومت‌های وقت تشکیل شده بودند. طی دهه بیست، احزاب دولتی مانند حزب وطن، حزب ارده ملی، حزب افق آسیا، حزب انتقام، حزب ذوالفقار و حزب دموکرات ایران فعالیت داشتند که البته همگی قائم به شخص و به‌دور از هر برنامه خاصی شکل گرفته بودند. طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰،

دربار سعی در تقویت پایه‌های قدرت خویش داشت و می‌کوشید تا این کار را با ایجاد احزاب وابسته به خود انجام دهد، اما با توجه به فضای اجتماعی و سیاسی سال‌های مذکور، قادر به ایجاد حزبی منسجم و قدرتمند نبود.

”دیگری“ در نگاه حزب توده

در این بخش به طور گسترده به بررسی ”دیگری“های حزب توده طی سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱، از طریق تحلیل روزنامه‌های این حزب می‌پردازیم. چنان‌که خواهیم دید حزب توده دسته‌ای از دال‌های شناور مانند ”استقلال“، ”ملت ایران“، ”حکومت ملی“، ”منافع ملی“، ”قانون“، ”ترقی و پیشرفت“، ”برابری“، ”دموکراسی“، ”آزادی“، ”قانون اساسی“ را به استخدام می‌گیرد و دیگری‌های خود را به چالش می‌کشد. شیوه نگاه به ”خود“ و ”دیگری“ و عبارات و جملات به‌کار رفته و جهت‌دهی شده در متون مطبوعاتی حزب، نحوه بارگیری مفاهیم اصلی در گفتمان حزب توده و چگونگی استفاده از آن‌ها در تقابل ”خود“ و ”غیر“ از جمله نکات مهمی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند.

۱. ”استقلال“

در مرامنامه حزب توده، ”استقلال“ یکی از اصول اساسی و از جمله اهداف اولیه این حزب خوانده شده بود (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۸: ۵۸-۹). در حقیقت، این مفهوم از حوزه گفتمان‌گونگی وارد حوزه گفتمانی حزب توده شد و معنا یافت. این مفهوم در بسیاری از موارد به‌وسیله دال‌های مترادفی مانند ”نفی سازش“ یا دال‌های متعارض نظیر ”سازش“، ”وابستگی“ و ”امپریالیسم“ بیان می‌شود.

متن (۱)

ملت ایران، پیشنهادها و تفسیرهای خائنه دولت دکتر مصدق را رد می‌کند. هنوز دولت مصدق می‌کوشد پیشنهاد سازش‌کارانه خود را به دولت انگلستان از نظر مردم و افکار عمومی پوشیده بدارد (به سوی آینده، ۹ مرداد/۱۳۳۰).

متن (۲)

سازش‌ننگین دکتر مصدق و ”جبهه ملی“ در مسئله نفت مورد نفرت شدید ملت ایران است. ما بارها این نکته را متذکر شده‌ایم که اگر جمعیت یا حزبی بنا بر یک ضرورت اجتماعی به‌وجود نیامده باشد، اگر بر نیروی پایان‌ناپذیر خلق تکیه نکند، اگر در مطالبات اساسی اکثریت ملت یعنی کارگران و زحمتکشان کشور روش اصولی اتخاذ ننماید و بالأخره، اگر در کادر جهانی به منافع نهضت عظیم رنجبران دنیا وفادار نباشد، به‌جز خیانت به ملت و سازش با امپریالیسم کار دیگری نخواهد کرد (به سوی آینده، ۲۰ مرداد/۱۳۳۰).

متن (۳)

این سند ننگین تحت‌الحمایگی دولت مصدق‌السلطنه است! سازش‌های خائنانه مصدق‌السلطنه کار را به جایی رسانیده است که سرنوشت دولت ایران باید در واشنگتن تعیین شود. دخالت تجاوزآمیز امپریالیست‌ها در اموری که مربوط به سرنوشت ملت ایران است، در اثر روش تسلیم‌آمیز دکتر مصدق اینک به مراحل افتضاح‌آوری رسیده و شکلی به‌خود گرفته است که دیگر عنوان یک دولت "مستقل" را از هیچ جهت به دولت مصدق‌السلطنه نمی‌توان اطلاق کرد (شهباز، ۲/ دی/ ۱۳۳۰).

متن (۴)

تکیه به سیاست امپریالیستی آمریکا، دکتر مصدق را واداشته که تقاضاهای خرید کشورهای اروپای شرقی را متجاوز از شش ماه معطل بگذارد (شهباز، ۲۹/ دی/ ۱۳۳۰).

متن (۵)

دکتر مصدق به کجا می‌رود؟ آیا با تشکیل یک مجلس قلابی خواهد توانست نقشه‌های تسلیم‌آمیز و سازش‌کارانه خود را عملی سازد؟ (شهباز، ۷/ بهمن/ ۱۳۳۰)

متن (۶)

ملل خاورمیانه هنگامی به آرزوی دیرین خویش خواهند رسید که "امپریالیسم" و "طبقات حاکمه وابسته به آن" در خاورمیانه سرکوب شده باشند (شهباز، ۱۷/ بهمن/ ۱۳۳۰).

متن (۷)

روش سازش‌کارانه دکتر مصدق به مبارزات ضد استعماری ملل خاورمیانه لطمه‌های جبران‌ناپذیری زده است (شهباز، ۳۰/ بهمن/ ۱۳۳۰).

متن (۸)

دولت مصدق آنچه را به‌وسیله قانون جرئت نداشت انجام دهد، به‌وسیله "تصمیم هیئت وزیران" انجام داد. ابقای جاسوسان آمریکایی در رأس ارتش ایران، ناقض استقلال سیاسی و نظامی ایران است. عمل اخیر دولت و تصمیم غیر قانونی و ضد ملی هیئت وزیران مبنی بر ابقای مستشاران نظامی، یکی از مواردی است که حکایت از تناقض بارز بین گفتار و رفتار این دولت می‌کند و نشان می‌دهد که دکتر مصدق نمی‌خواهد قدم اساسی در راه استقلال ملی ایران و گسستن زنجیرهای اسارت ایران بردارد (شهباز، ۶/ فروردین/ ۱۳۳۱).

متن (۹)

حکومت مصدق که هنوز خود را خدمتگذار ملت می‌شمارد، در راه تسلیم به خواسته‌های کثیف استعمار هر روز با شتاب بیشتری به پیش می‌لغزد و هر چه بیشتر در منجلاب سازش با دشمنان آزادی و استقلال ملی ما فرو می‌رود (شهباز، ۲۱/ بهمن/ ۱۳۳۱).

متن (۱۰)

سازشکاران "جبهه ملی" در کوره راه سازش بیش از پیش می‌غلطند؛ باختر/امروز و کیهان، موافقت دولت را با تفویض انحصار فروش دوسوم نفت از فرآورده‌های نفتی ما به شرکت سابق با تخفیف ۳۰ درصد خبر می‌دهند (شهباز، ۲۱/اسفند/۱۳۳۰).

متن (۱۱)

امپریالیست‌ها با استفاده از طبقات حاکمه خائن کشورهای سرمایه‌داری، مستعمره و نیمه‌مستعمره می‌خواهند از ملت‌ها من جمله از ایران برای رسیدن به امیال پلید و ضد بشری خود استفاده نمایند (شهباز، ۲۱/بهمن/۱۳۳۱).

متن (۱۲)

دولت دکتر مصدق با قبول اجرای اصل چهارم ترومن در ایران، نفوذ اقتصادی و سیاسی امپریالیست‌های آمریکایی را در میهن ما توسعه می‌دهد (آخرین نبرد، ۱۰/آذر/۱۳۳۰).

متن (۱۳)

سازش‌ننگین با بانک بین‌المللی برای اداره نفت ایران، بزرگ‌ترین خیانت به استقلال و حاکمیت ملت ماست (آخرین نبرد، ۲۴/آذر/۱۳۳۰).

چنان‌که دیده می‌شود تمامی متونی که در این قسمت عنوان شد، حول محور "استقلال" در گردش‌اند. حزب توده سعی دارد تا از دال‌های شناوری مانند "استقلال"، "حاکمیت ملی" و "عدم سازش" تعریفی ارائه دهد که با گفتمان حزب توده سازگار باشد و با آن‌ها گفتمان جبهه ملی را به چالش بکشد. در این متون، دو نوع غیریت‌سازی نیز مشاهده می‌شود: "غیریت‌سازی خارجی" (آمریکا، انگلیس و در کل امپریالیسم غربی) و "غیریت‌سازی داخلی" همان‌هایی هستند که "ضد ملت"‌اند. هدف این متون از طرح غیریت خارجی به حاشیه‌راندن غیر "داخلی" است. بنابراین بین غیر خارجی و داخلی ارتباط معناداری می‌توان یافت.

این متون در صدد القای ذهنیتی منفی در ذهن مخاطب نسبت به اعمال و سیاست‌های دولت مصدق هستند. از نظر حزب توده، تمامی سیاست‌های دولت دکتر مصدق قابل نقد و بی‌اعتبار است، زیرا «نشانه‌های شوم سازش و تسلیم در آن موج می‌زند» (به سوی آینده، ۲/مرداد/۱۳۳۰). از دیدگاه این حزب، اولویت دولت مصدق باید "خلع ید از امپریالیسم" باشد و آن را یک تکلیف قانونی دانسته که عدم اجرای آن سبب خودکشی سیاسی و فرو رفتن در لجن‌زار سازش با امپریالیسم خواهد شد (شهباز، ۲۱/بهمن/۱۳۳۱). در این متون، دال‌های شناوری مانند "مردم" و "ملت"، "قانون"، "آزادی"، "منافع ملی" و "حاکمیت ملی" با هم مفصل‌بندی شده و در یک زنجیره هم‌ارزی قرار می‌گیرند تا به یکدیگر معنا بخشند.

ذهنیت منفی نویسنده نسبت به گروه مقابل در استفاده از کلمات و عباراتی که به کار می‌برد جلوه‌گر است، عباراتی نظیر "خائنین ملت ایران"، "عنصر خیانتکار"، "نوکران اجنبی"، "دولت شوم و یار استعمار"، "عمال خائن"، "حکومت دست‌نشانده"، "سیاست شوم منفی"،

”بیگانه‌پرست“. در مقابل، ذهنیت مثبت چنین بیان می‌شود: ”خلق ضد استعمار“، ”مردم وطن خواه“، ”قهرمانان غلبه‌ناپذیر“، ”عناصر میهن‌دوست“ و ”قهرمانان و مبارزان ضد امپریالیست میهن“.

در این متون علاوه بر ”مصدق“ و ”جبهه ملی“، روزنامه‌های ”کیهان“ و ”باختر/امروز“ نیز در صف ”دیگری“ قرار گرفته‌اند و به‌عنوان بلندگوهای جبهه ملی به مخاطب شناسانده می‌شوند.

۲. ”ملت ایران“

مفاهیم ”ملت“ و ”ملی“ و اصطلاحاتی که از ترکیب آن‌ها با سایر واژگان ساخته می‌شوند مانند ”منافع ملی“ و ”حکومت ملی“ جایگاهی در اندیشه مارکسیستی ندارند. با این حال، حزب توده این دال‌های شناور در حوزه گفتمان‌گونگی را وارد گفتمان خود می‌کند و به‌این ترتیب، آن‌ها را از ”عنصر“ به ”وقته“ تبدیل می‌نماید. در ادامه متون حاوی عبارت ”ملت ایران“ (و مفاهیم مترادف آن مانند ”مردم ایران“) و در دو قسمت بعد، متون حاوی عبارات ”حکومت ملی“ و ”منافع ملی“ آورده می‌شوند.

متن (۱)

امروز مردم شرافتمند ایران همه قوای خود را بر ضد استعمار تجهیز می‌کنند. موفق باد مبارزه درخشان ملت ایران در راه آزادی و استقلال ملی (به سوی آینده، ۷ خرداد/۱۳۳۰).

متن (۲)

روزنامه ما به نام ”افکار عمومی ملت ایران“ هرگونه روش سازش‌کارانه تذبذب و تردید دولت دکتر مصدق را مورد شدیدترین انتقادات منطقی قرار می‌دهد و دائماً دولت را در سیاست روزانه خود تعقیب می‌کند، مورد کنترل قرار می‌دهد و نقاط ضعف سیاست وی را آشکار و روشن بدون پرده و عریان در معرض افکار عمومی می‌گذارد (به سوی آینده، ۲۰ خرداد/۱۳۳۰).

متن (۳)

ما به‌نام ”ملت“ و به‌نام ”بشریت“ علیه توطئه امپریالیستی کشتار دسته‌جمعی جوانان ضد استعمار و میهن‌دوست ایران، علیه جنایات وحشیانه پلیس قانون‌شکن دولت دکتر مصدق و محرکین درباری و ارتشی آن شدیداً و با تمام قوا اعتراض می‌کنیم. آدم‌کشان و جنایتکاران صنفی و محرکین خائن آن‌ها باید شدیداً مجازات شوند (به سوی آینده، ۱۰ فروردین/۱۳۳۱).

متن (۴)

مردم ضد استعمار ایران، دولت و مجلس هر دو را محکوم می‌کنند. چنین مجلس بی‌شخصیتی در تاریخ مشروطه ایران بی‌نظیر است. وزرا و وکلا همه از یک قماش‌اند و هدفی جز سرکوب نهضت ضد استعماری مردم ایران ندارند (به سوی آینده، ۱۳ / آذر / ۱۳۳۱).

متن (۵)

ما بار دیگر به نام "ملت ایران" اعلام می‌داریم که هرگونه مذاکره با بانک امپریالیستی، ناقض قانون ملی شدن نفت و بر خلاف حق حاکمیت ملی ماست (شهباز، ۲۱ / فروردین / ۱۳۳۱).

متن (۶)

مبارزه با هر دو امپریالیسم، شعار ملت ایران است. دکتر مصدق، امپریالیسم جنگ‌افروز آمریکا را حامی ملت ایران می‌داند. مصدق می‌خواهد در دوره تسلط اوباش و چاقوکشان، انتخابات دوره هفدهم را بر کنار از "اعمال نفوذ" انجام دهد (!) (آخرین نبرد، ۴ / آذر / ۱۳۳۰)

این متون نیز همانند متون پیشین، بر محور دو قطب "ما" و "آن‌ها" استوار است. "ما" — قطب مثبت متن — در کنار "مردم"، "ملت"، "افکار عمومی" و "بشریت" عنوان شده و "آن‌ها" — قطب منفی متن — با عباراتی نظیر "قانون‌شکن"، "جنايات وحشیانه"، "سیاست‌های سازش‌کارانه"، "محرکین خائن"، "اوباش و چاقوکش" مشخص شده‌اند. به این ترتیب، گفتمان حزب توده به دنبال برجسته‌سازی مفاهیمی مانند "ملت ایران"، "مردم ایران" و "بشریت" است و می‌کوشد تا به‌زعم خود، مخالفان ملت اعم از "استعمار" و وابستگان داخلی آن‌ها را آماج انزجار قرار دهد.

۳. "حکومت ملی"

متن (۱)

فجایع و جنايات اخير دولت ضد ملی دکتر مصدق بر علیه مردم قهرمان ایران که با الهام از استعمارطلبان خارجی عملی شد، بیش از همه نشان‌دهنده بیم و هراس شدید امپریالیسم بین‌المللی و طبقه حاکمه سازش‌کاران ایران از رشد و توسعه بی‌سابقه جنبش وسیع ضد استعماری مردم میهن ماست (به سوی آینده، ۱ / مرداد / ۱۳۳۰).

متن (۲)

دولت "ضد ملی" مصدق می‌کوشد تا مردم از حقیقت وظایف هیئت نمایندگی "بانک آمریکایی بین‌المللی" آگاه نشوند (شهباز، ۱۱ / دی / ۱۳۳۰).

متن (۳)

۱۱ ماه است که تهران زیر ضربات سرنیزه حکومت نظامی به‌سر می‌برد. خونین‌ترین توطئه‌های ضد ملی در زیر سپر حکومت نظامی به‌موقع اجرا گذارده شد و یورش همه‌جانبه علیه تمام حقوق اساسی ملت از این راه انجام گرفته است (شهباز، ۲۶ / بهمن / ۱۳۳۱).

متن (۴)

هر کس که به‌راستی شرف دارد و هوش / نبود ز حکومت مصدق سر خوش کابینه او به چشم ما خون‌ها ریخت / ای ننگ بر این حکومت مردم‌کش (چلنگر، ۲۱ / فروردین/۱۳۳۱).

در تمامی این متون دولت دکتر مصدق به‌عنوان دولتی "ضد ملی" در نظر گرفته شده که به خواسته‌های ملت توجهی ندارد و با حاکم کردن میلیتاریسم بر تمامی عرصه‌های اجتماع، سعی در سرکوب مردم و خواسته‌های آنان دارد. آوردن کلمه "توطئه" در کنار اقدامات دکتر مصدق نشان دهنده تلاش برای القای هراس از "دیگری" است. در متون وابسته به حزب توده از عبارات "توطئه‌های نفرت‌انگیز"، "توطئه خونین ضد ملی"، "توطئه‌های فاشیستی" و "فتنه‌های خصم" به‌کرات استفاده شده است. حزب توده با اخذ دال "ملی" از حوزه گفتمان‌گونگی و تغییر معنای آن، این مفهوم را وارد نظام معنایی گفتمان خود ساخته و سعی دارد تا هژمونی گفتمان جبهه ملی در استفاده از آن را درهم بشکند.

۴. "منافع ملی"

متن (۱)

مبارزه ضد استعماری ملت ایران قطع شدنی نیست. سازش‌کاران و خائنین به منافع ملی راهی جز رسوایی و شکست خفت‌آمیز ندارند (به سوی آینده، ۱ / مرداد/۱۳۳۰).

متن (۲)

سیاست اختناق آزادی را از خیانت به منافع ملی و میهنی نمی‌توان جدا ساخت، دولت مصدق روز به روز ماهیت ضد ملی خود را بیشتر نشان می‌دهد (به سوی آینده، ۸ / مرداد/۱۳۳۰).

متن (۳)

بیداری و مراقبت هشیارانه نیروهای ملی چون خاری در چشم سازش‌کاران و ملی‌نمایان می‌خلد. خیانت‌کاران به منافع ملی، از ترس انتقام ملت به خود می‌لرزند و به صدور فرمان‌های ددمنشانه و ضد آزادی می‌پردازند. تنها دربار و دولت نیستند که از اراده ملت در طرد استعمار به وحشت و هراس افتاده‌اند، همه خیانت‌کاران به منافع ملی، همه جناح‌های منفور هیئت حاکمه که بیداری و شادابی نیروهای ملی و مراقبت شایان نهضت آزادی‌بخش ملت ایران را احساس می‌کنند و این بیداری را تنها مانع و رادع سازش‌های ننگین زیر پرده خود می‌دانند، این روزها در وحشت و اضطراب به‌سر می‌برند (شهباز، ۲۴ / اسفند/۱۳۳۰).

متن (۴)

فساد دستگاه دولتی را از زبان "شاهد" بشنوید. روزنامه شاهد مزورانه علیه منافع ایران برای همین دستگاه مدرک تراشی می‌کند و به کارگران ناسزا می‌گوید (شهباز، ۲۵ / اردیبهشت/۱۳۳۱).

متن (۵)

ما به‌عنوان یک روزنامه‌ای که مدافع منافع اکثریت ملت ایران و ارگان جمعیت ضد امپریالیستی هستیم، از دولت سؤال می‌کنیم که حضور افسران ستاد ارتش آمریکا در تهران برای چیست؟ (شهباز، ۲۷/ بهمن/ ۱۳۳۱)

در این متون، دال شناور "منافع ملی" در کنار مفاهیمی نظیر "آزادی"، "حاکمیت ملی"، "حقوق ملی"، "مردم" و "ملت"، "آگاهی"، "بیداری و هوشیاری" در یک زنجیره هم‌ارزی مفصل‌بندی شده‌اند. همانند موارد پیشین، قطب مثبت متن معطوف به "ما" و قطب منفی متن معطوف به "آن‌ها" است. از نظر حزب توده، قطب منفی به منافع ملی و اموال عمومی دست درازی کرده است، اما قطب مثبت با شناساندن حقوق مردم به ایشان، بنا دارد که به "سالم‌سازی" نظام اجرایی بپردازد. این متون دوباره از واژه‌های "سازش‌کاران"، "سیاست‌های اختناق و ترور"، "ملی‌نمایان"، "خائنین" و غیره جهت شناسایی گروه مقابل یعنی حکومت دکتر مصدق بهره می‌برد تا "آن‌ها" را در نظر مردم و مخاطبان خود منفور جلوه دهد.

۵. "قانون"

یکی دیگر از دال‌های شناوری که به‌خودی خود در گفتمان مارکسیستی حزب توده جایی ندارد اما این حزب با اخذ آن از حوزه گفتمان‌گونگی کوشید تا از آن بهره برد، "قانون" است. با برجسته کردن دال "قانون" و مفاهیم مترادف آن مانند "مقررات" و "حقوق" در مطبوعات خود، این حزب می‌کوشد تا خود را قانون‌گرا و رقیب را بی‌توجه به قانون جلوه دهد.

متن (۱)

مقرراتی وضع شود تا مأمورین دولتی نتوانند با تعویض آرا و تقلب و تزویر مقاصد سوء خود را اعمال نمایند. ما از هم‌اکنون صریحاً اعلام می‌کنیم که با هر گونه اختصاص حق رأی به باسوادان و محروم ساختن بی‌سوادان شدیداً مخالفیم و با کلیه قوای خود با آن مبارزه خواهیم کرد. در این مبارزه، اکثریت عظیم مردم زحمتکش ایران پشتیبان ما هستند و مستقیماً در راه حفظ حقوق خود اقدام خواهند کرد (به سوی آینده، ۱۷/ اردیبهشت/ ۱۳۳۰).

متن (۲)

حزب توده ایران، حزبی قانونی است. عضویت حزب توده ایران و فعالیت به نفع آن به چهار دلیل جرم نیست:

۱. اینکه قانونی مبنی بر ممنوعیت حزب توده ایران از مجلس شوری نگذشته است.
۲. اصل ۲۱ قانون متمم قانون اساسی می‌گوید: انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل نظم نباشند، در مملکت آزادند.
۳. منشور ملل متفق و اعلامیه حقوق بشر

۴. اینکه حکم دادگاه حکومت نظامی تهران مبنی بر محکومیت سران حزب توده ایران به عنوان تشکیل فرقه مخالف سلطنت مشروطه برحسب قرار مورخ ۲۹/۹/۶ دادگاه جنایی تهران کان لم یکن شناخته شده و این اتهام هنوز به مرحله ثبوت نرسیده و قابل طرح در محاکم عمومی نیست (به سوی آینده، ۱۹/ اردیبهشت/ ۱۳۳۰).

متن (۳)

تنظیم کنندگان لایحه "قانون جدید انتخابات" باید به نام خیانت به حقوق ملی تحت تعقیب قرار گیرند. هدف عمده این خیانت دور کردن طبقه کارگر از صحنه مبارزات سیاسی است. به این ترتیب، همه مقدمات برای به پایان رساندن یک توطئه بزرگ ضد ملی فراهم شده است. این توطئه علیه حق حاکمیت ملت ایران صورت می گیرد و اکثریت مردم وطن ما را از حق شرکت در سرنوشت خود محروم می سازد. نغمه شوم و خائنه ای که از دو سال پیش آغاز شد، امروز در زمان زمامداری دکتر مصدق بر اثر مساعی شخص او به مرحله تجسم نزدیک می شود (به سوی آینده، ۲۷/ اردیبهشت/ ۱۳۳۰).

متن (۴)

دولتی که به قوانینی که خود وضع می کند پایبند نیست، چگونه می تواند برای تثبیت وضع اقتصادی و بهبود ایران قدمی بردارد؟ (شهباز، ۲۳/ بهمن/ ۱۳۳۱)

چنانکه دیده می شود توده های ها سعی دارند تا با نشان دادن تناقض میان وعده ها و عملکرد جبهه ملی در زمینه قانون گرایی و حفظ حقوق قانونی مردم، هژمونی گفتمان این جبهه را در هم شکنند. استفاده از کلمات و عباراتی مانند "دولت قانون شکن دکتر مصدق"، "قانون شکنی های دولت ضد کارگری" و "قانون شکنی های ضد آزادی و ضد دموکراتیک دولت" در مورد گروه رقیب و به کاربردن عباراتی نظیر "حزب قانونی توده" و "اجتماع قانونی کارگران شرافتمند ما" درباره گروه "خود" این قطب بندی را بیشتر نمایان می سازد. در این متون مفهوم "قانون" با واژه هایی مانند "مردم"، "ملت" و "انتخابات" مفصل بندی شده است.

۶. "اقتصاد" (نابه سامانی اقتصادی)

حزب توده علاوه بر مفاهیمی مانند "استقلال"، "قانون" و غیره از حوزه معنایی دیگری نیز بهره می برد که هسته آن را "بهبود اقتصادی" تشکیل می دهد و در برابر دال های متعارضی مانند "افلاس" و "ورشکستگی اقتصادی" قرار دارد. این حزب، پیشرفت همه جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به معنای عام کلمه را هدف خود اعلام می کند و پیشرفت اقتصادی را محور آن می خواند. نشریات حزب در وهله نخست، رقیب خود را مسئول نابه سامانی اقتصادی کشور دانسته و سپس نظریات خود برای پیشرفت اقتصادی از طریق گسترش روابط با شرق را مطرح می سازند.

متن (۱)

مصدق با سیاست اقتصادی غلط خود، ایران را به گرداب افلاس و ورشکستگی کامل اقتصادی و مالی می‌کشاند (به سوی آینده، ۶ دی/۱۳۳۰).

متن (۲)

ریشه تمام مشکلات اقتصادی موجود را باید در سیاست "غلط" و "ضد ملی" دولت‌های ایران جست‌وجو کرد. وقتی که واردات بی‌بندوبار کشور بیش از دو برابر صادرات باشد، ظهور این‌گونه اشکالات اجتناب‌ناپذیر است (شهباز، ۹ دی/۱۳۳۰).

متن (۳)

دولت مصدق آخرین چوب حراج را به خزانه کشور می‌زند، وجوه حاصله از محل فروش موجودی دلار صرف عیش و نوش جاسوسان آمریکایی می‌شود (شهباز، ۸ خرداد/۱۳۳۱).

متن (۴)

صنایع داخلی و تولید متوسط و کوچک کشور ما در زیر ضربات شکننده رقابت‌های امپریالیستی قرار دارد، باید با قطع نفوذ اقتصادی استعمار، صاحبان صنایع داخلی را از ورشکستگی نجات و به بازار فروش آن‌ها رونق داد (شهباز، ۲۱ بهمن/۱۳۳۱).

متن (۵)

دولت دکتر مصدق برخلاف مقررات ارزی کشور که خود وضع کرده است، میلیون‌ها ریال با تسعیر دلار به نرخ آزاد به نام خرید شکر از کوبا به رایگان در اختیار اداره جاسوسی آمریکا در ایران - اصل چهار ترومن - می‌گذارد (شهباز، ۲۳ بهمن/۱۳۳۱).

متن (۶)

مجلس و دولت به‌عنوان اقلیتی که زمام قدرت مردم را غاصبانه به‌دست دارد، یک دم از سنگ‌اندازی در راه پیشرفت ملت آسوده نمی‌نشیند؛ زیرا دوام و بقا بهره‌کشی ظالمانه آن‌ها تنها در چنین شرایطی تأمین می‌شود (شهباز، ۲۹ بهمن/۱۳۳۱).

متن (۷)

ای رئیس‌الوزرا همت کن / فکر بیچارگی ملت کن
کشور ما فلج از بیکاری است / غش مکن، موقع غش کردن نیست
از غش و ضعف تو ای مرد شریف (!) / بنیه مالی ما گشت ضعیف (چلنگر، ۲۷ خرداد/۱۳۳۰)

حزب توده با نگاه منفی به دولت دکتر مصدق و جبهه وابسته به او، ریشه تمام مشکلات اقتصادی و عدم بهبود اوضاع را در سیاست‌های مصدق می‌داند. متون بالا اندوهی را بابت وضعیت اسفبار اقتصاد کشور به مخاطب انتقال می‌دهند که با برانگیختن حس نفرت از جناح رقیب همراه است و با بیان واژه‌هایی مانند "غلامان آستان دلار"، "دولت بی‌بودجه"، "دزدان مفتخوار"، "دندصفتان و جیره‌خواران" و "یک مشت مزدور" به اوج تجلی خود می‌رسد. در

مقابل، حزب توده با ارائه راه‌حل‌ها و برنامه‌هایی کارآمد "خود" را در قطب مثبت قرار داده و پیشنهادهای مطرح می‌کند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۷. "اقتصاد" (برنامه اقتصادی حزب توده)

متن (۱)

بلای بیکاری و فقر بیش از پیش توسعه می‌یابد. جز عده معدودی غارتگر و مرفه، هیچ‌کس بر فردای خود تأمین ندارد. دولت برای مبارزه با بیکاری و فقر باید از راهی که کمیته مرکزی حزب توده نشان داده برود (به سوی آینده، ۲۱/ بهمن/۱۳۳۰).

متن (۲)

باید از کنفرانس اقتصادی و بازرگانی مسکو به منظور بهبود اقتصادیات ایران و بسط روابط تجاری پایاپای با کشورهای صلح‌دوست و ضد استعمار جهان استفاده شود (به سوی آینده، ۱۹/ فروردین/۱۳۳۱).

متن (۳)

موفقیت کنفرانس اقتصادی بین‌المللی مسکو تأثیر زیادی در پیشرفت مبارزه ضد استعماری ملت ایران خواهد داشت (شهباز، ۱۴/ فروردین/۱۳۳۱).

متن (۴)

اتحاد شوروی مناسب‌ترین مشتری برای تجارت با ایران است. افکار عمومی ملت ایران تحریکات امپریالیسم آمریکا را برای جلوگیری از بسط تجارت ایران و شوروی با نفرت فراوان تلقی می‌نماید. برای درهم شکستن محاصره اقتصادی امپریالیست‌ها، باید تجارت پایاپای با دولت‌هایی که حاکمیت ملی ما را محترم می‌شمارند، توسعه پیدا کند (شهباز، ۱۸/ فروردین/۱۳۳۱).

متن (۵)

کمیته مرکزی حزب توده ایران برای رفع بحران کنونی، راه‌های عملی و نتیجه‌بخشی به دولت مصدق ارائه می‌دهد. راه‌های پیشنهادی حزب توده ایران همه عملی است، همه نتیجه‌بخش است و این حقیقت با ارقامی که کمیته مرکزی ارائه می‌دهد، به چشم می‌خورد (آخرین نبرد، ۱۰/ بهمن/۱۳۳۰).

متن (۶)

دولت مصدق در این مدت، همه‌جا حسن‌نیت و دوستی شوروی را با دورویی و دشمنی پاسخ داد (آخرین نبرد، ۴/ خرداد/۱۳۳۱).

حزب توده معتقد است که تنها راه برون‌رفت از مشکلات کشور، اجرا کردن پیشنهادهای این حزب است و دولت دکتر مصدق باید زمینه عملی شدن آن‌ها را فراهم آورد. دکتر مصدق باید هر چه بیشتر به سمت گروه "ما" و بلوک شرق نزدیک شود. این حزب خود را در قطب مثبت

و در کنار کشورهای صلح‌دوست و ضداستعمار جهان قرار می‌دهد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، "غیریت داخلی" در ارتباط با "غیریت خارجی" معنا می‌یابد.

۸. "آزادی"

در متون حزب توده، در کنار "توسعه اقتصادی و پیشرفت و ترقی مادی جامعه"، توسعه سیاسی و اجتماعی نیز مهم خوانده می‌شود. توجه حزب توده نسبت به آزادی‌های سیاسی در متون زیر به‌خوبی نشان داده شده است.

متن (۱)

دار و دسته‌های فاشیستی، آزادی و مشروطیت ایران را شدیداً تهدید می‌کنند. دولت دکتر مصدق باید باندهای چاقوکش طرفدار خود را کنترل کند. جنایتکاران باید شدیداً مجازات شوند (به سوی آینده، ۱۷/ تیر/ ۱۳۳۰).

متن (۲)

توطئه خطرناک دولت فاشیستی دکتر مصدق علیه تمام آزادی‌ها و حقوق اساسی ملت ایران به مرحله حادی رسیده است. دکتر مصدق، این مدعی دروغ‌گوی آزادی‌خواهی و دشمن سرسخت نهضت آزادی ایران هنگام تشکیل دولت و انتخاب سرلشگر زاهدی به‌عنوان وزیر کشور، مقاصد ضد ملی خود را برملا ساخت و از چهره زشت فریبکار و نیرنگ‌باز خود، حجاب سالوس و ریا برگرفت (به سوی آینده، ۱۱/ مرداد/ ۱۳۳۰).

متن (۳)

در ایران یک حزب سیاسی، موجود و آن هم حزب توده است و خیابان فردوسی، جزیره آزادی است (به سوی آینده، ۲۹/ مرداد/ ۱۳۳۰).

متن (۴)

سیاست ضد ملی و ضد آزادی دولت با کمال شدت ادامه دارد. مردم ایران می‌خواهند که در روش ضد ملی و اختناق آمیز فعلی تجدید نظر اساسی به عمل آید و پس و پیش کردن مهره‌ها را نمی‌توان به حساب یک عمل جدی در راه ترک سیاست شوم دولت گذاشت (به سوی آینده، ۲۸/ شهریور/ ۱۳۳۰).

متن (۵)

حمله عمومی دولت دکتر مصدق بر ضد روزنامه‌های آزادی‌خواه و خاصه روزنامه ما در سراسر ایران آغاز شده است؛ دولت "دموکرات و ملی و آزادی‌خواه" (!) مصدق‌السلطنه و پلیس بی‌مغز و مأمورین بی‌آبروی او حمله عمومی را در سراسر نقاط ایران بر ضد روزنامه‌های دموکراتیک و خاصه روزنامه ما آغاز کرده‌اند (به سوی آینده، ۲۳/ مهر/ ۱۳۳۰).

متن (۶)

دولت آزادی‌کش مصدق و باند عوام فریب "جبهه ملی"، با هیچ خدعه و مانور سیاسی نمی‌توانند خود را تبرئه کنند. ملت ایران به دار و دسته آدم‌کشان و چاقوکشان و نوکران امپریالیسم امریکا اعتماد ندارد و به آن‌ها رأی نمی‌دهد (به سوی آینده، ۲۶/ دی/ ۱۳۳۰).

متن (۷)

انتخابات ایران با مفتضح‌ترین شکل ممکن در شرایط خفقان ملی و کشت و کشتار و به‌کاربردن سرنیزه و زندان جریان دارد. کسانی که دم از آزادی می‌زدند به وقیحانه‌ترین عملیات ضد آزادی و سلب حق اعمال حاکمیت یعنی انتخابات نماینده طبق میل خود دست زده‌اند. جناح آمریکایی هیئت حاکمه که به زعامت دکتر مصدق، حکومت را در دست دارد برای آنکه در دوره هفدهم بی‌هیچ دردسر بتواند نقشه‌های خود را به انجام رساند، می‌خواهد به هر حيله‌ای که شده پادوهای خود را به مجلس بفرستد. آن‌ها قصد غصب کرسی‌های مجلس را دارند (شهباز، ۲۳/ بهمن/۱۳۳۰).

متن (۸)

مصدق به دنبال توقیف روزنامه به سوی آینده، بدون مجوز روزنامه آخرین نبرد را نیز توقیف کرد و بدین ترتیب، دشمنی خود را با جراید "حق‌گو و زبان ملت" اعلام داشت (شهباز، ۱۲/ خرداد/۱۳۳۱).

متن (۹)

ما مردم شرافتمند ایران اعلام می‌داریم که در آستانه انتخابات دوره هفدهم، در کشور ما کوچک‌ترین اثری از آزادی وجود ندارد؛ زیرا دارودسته اوباش و اراذل دولتی با کمک قوای تأمینیه همه آثار آزادی و مشروطیت را از میان برده و به جنایاتی دست زده‌اند که نظیرش را در تاریخ اخیر ایران نمی‌توان یافت (آخرین نبرد، ۱۷/ آذر/۱۳۳۰).

متن (۱۰)

مردمان وقت انتخابات است / نه ببخشید انتصایات است
به به از این رژیم آزادی / همه مکر و فریب و شیادی
خفقان یک‌سره شده ایجاد / تف بر این دستگاه استبداد (چلنگر، ۱۹/ دی/۱۳۳۰).

متون فوق همانند همه متن‌های پیشین، حول قطب مثبت "ما" و قطب منفی "آن‌ها" سامان یافته‌اند. به‌زعم نویسندگان این متون، "آن‌ها" کسانی هستند که "مانع آزادی‌اند"، "خودکامه‌اند"، "حرمت‌ها را می‌شکنند"، "به حقوق و آزادی‌های قانونی تجاوز می‌کنند"، "حقوق اساسی ملت ایران را زیر پا می‌گذارند"، "به اصول توسعه سیاسی توجهی نشان نمی‌دهند"، "به آزادی مطبوعات بها نمی‌دهند" و ... مصداق همه این‌ها دولت دکتر مصدق و جبهه ملی هستند که به توقیف روزنامه‌های دموکرات و ضد استعمار مبادرت می‌ورزند و با جاروجنجال ساختگی در فضای انتخابات به ظاهر "آزاد" سعی دارند که کرسی‌های مجلس را تصاحب کنند. ذکر واژگان "غصب" و "تسخیر" آن‌ها را همچون دشمنی بیگانه و در صدد تصرف قدرت در ذهن خواننده به تصویر می‌کشد. عباراتی نظیر "دشمنان آزادی‌کش"، "دولت آزادی‌کش مصدق"، "دکتر مصدق؛ این مدعی دروغگوی آزادی‌خواهی و دشمن سرسخت نهضت آزادی ایران"، "سیاست اختناق آزادی"، "غاصبین حقوق ملت" با همین نیت به‌کار برده می‌شوند. در برابر، حزب خود را در قطب مثبت قرار می‌دهد که حامی "آزادی و حقوق مردم" است. روزنامه‌های حزب توده

نیز به‌عنوان روزنامه‌های "دموکرات و آزادی‌خواه" معرفی می‌شوند که صدای حق‌طلبانه ملت را منعکس می‌کنند و پرده از روی حقایق برمی‌دارند. عباراتی مانند "دلیران راه آزادی"، "مردم آزادی‌خواه و آزاده"، "منطق محکم آزادمردان ایران"، "حق حاکمیت ملت ما" و "حقوق اساسی ما" به منظور تلطیف ذهن مخاطب نسبت به این حزب به‌کار برده شده‌اند. به‌این ترتیب دیده می‌شود که گفتمان حزب توده از دال‌های شناوری مانند "آزادی" و "حقوق مردم" به‌عنوان "وقته"‌هایی در گفتمان خویش بهره برده است.

۹. "دموکراسی"

دموکراسی یکی دیگر از دال‌های شناوری است که حزب توده به گفتمان خود وارد می‌کند و از همان بدو تولد در مرامنامه حزب بر آن تأکید می‌نماید. در متون زیر به کاربرد این مفاهیم در مطبوعات حزب توجه خواهد شد.

متن (۱)

نخست‌وزیر در موارد متعددی خود را مدعی به طرفداری از اصول دموکراسی و آزادی دانسته و از عملیات ضد آزادی و رجاله‌بازی‌های دوره حکومت ساعد و رزم‌آرا انتقاد کرده است. او بارها اعلام داشته است که سیاست ترور و اختناق و اعمال فشار بر ملت، منبعث از سیاست‌های استعماری برای اسارت مردم است. اکنون دکتر مصدق، خود قدم در راه پیشینیان گذاشته است. نخست‌وزیر بایستی به این حقیقت توجه کند که دارودسته‌های ارتجاعی و اشرار و اراذل که خود را طرفدار دولت ایشان می‌دانند با پیش گرفتن روش اختناق و ترور فاشیستی، دموکراسی و آزادی ایران را جداً در معرض مخاطره و تهدید قرار داده‌اند (به سوی آینده، ۱۷/ تیر/ ۱۳۳۰).

متن (۲)

سیاست داخلی ضد ملی و ضد دموکراتیک دولت باید مورد تجدید نظر قطعی قرار بگیرد. جنایات عمال دولت در اصفهان، تبریز، خوزستان و همچنین در تهران و نقاط دیگر بر ضد مبارزترین و فعال‌ترین عناصر میهن‌دوست و ضداستعماری کشور به نحوی شدید شده که از فجیع‌ترین عملیات دوران دولت‌های ضد ملی سابق ایران نیز در گذشته است (به سوی آینده، ۶/ شهریور/ ۱۳۳۰).

"دموکراسی دروغین مصدق‌السلطنه"، "حکومت مردم‌کش"، "حکومت ملت‌کش و اهریمن‌نو از مصدق"، از جمله عباراتی است که حزب توده جهت تأکید بر ضد دموکراتیک بودن دولت مصدق به‌کار می‌برد. "آزادی" و "حکومت ملی" عناصری هستند که در یک زنجیره هم‌ارزی در کنار دال "دموکراسی" به‌وقته تبدیل شده و در نظام معنایی گفتمان حزب توده معنا می‌یافتند.

۱۰. "فاشیسم"

حزب توده اعلام می‌کند که جبهه ملی به‌جای تأکید بر اصول دموکراسی، "فاشیسم" را جایگزین کرده است.

متن (۱)

هیولای فاشیسم در اصفهان دست به‌کار آدم‌کشی و انسان‌زدی شده است (به سوی آینده، ۳۱/ تیر / ۱۳۳۰).

متن (۲)

تبعیدی‌های اصفهان و خانواده‌های آنان در وضع بسیار تأسف‌آوری به‌سر می‌برند. دولت فاشیستی دکتر مصدق هر چه زودتر باید به این رفتار خلاف انسانیت خاتمه دهد. توطئه خطرناک دولت فاشیستی دکتر مصدق علیه تمام آزادی‌ها و حقوق اساسی ملت ایران به مرحله حادی رسیده است (به سوی آینده، ۱۱/ مرداد / ۱۳۳۰).

متن (۳)

نبود آرامش در عرصه عمومی و خصوصی زندگی، نبود امنیت، نبود پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و وجود قانون‌شکنی و خشونت از جمله مشکلات سیاسی و فرهنگی‌اند که به‌خاطر سلطه جبهه ملی و دولت دکتر مصدق و دارودسته‌های "فاشیستی" آن‌ها بر ایران به‌وجود آمده است (به سوی آینده، ۲۳/ مرداد / ۱۳۳۰).

متن (۴)

مرگ بر حکومت فاشیستی مصدق! (به سوی آینده، ۱۱/ آذر / ۱۳۳۰)

متن شماره (۱) با استفاده از کلمه "هیولا" ترس و اضطراب را به مخاطب خود انتقال می‌دهد. نویسنده می‌کوشد تا با استفاده از کارکرد احساسی جملات و کلمات، بر تأثیرگذاری متن بیفزاید و برای خواننده وضعیتی عینی و واقعی را تصویر کند. این‌گونه نگاه منفی به دکتر مصدق و جبهه ملی در سراسر متون مربوط به حزب توده جریان دارد و در قالب عباراتی نظیر "عفریته خونخوار فاشیسم"، "اجحافات فاشیستی دولت ضد کارگری"، "فاشیست‌های وطنی" و غیره به مخاطب القا می‌شود. حزب توده، گروه‌های "سومکا"، "پان ایرانیست" و "حزب زحمتکشان" را جز گروه‌های فاشیستی دانسته و آن‌ها را شایسته مجازات می‌داند. این حزب باز هم "خود و مردم" را در قطب مثبت و حکومت دکتر مصدق را در قطب منفی قرار می‌دهد. این قطبیت در سراسر متون به‌چشم می‌خورد.

۱۱. "صلح"

آخرین مفهومی که در این مقاله به آن می‌پردازیم "صلح" و عبارات مترادف آن مانند "آرامش" است که در گفتمان مارکسیستی از اهمیت چندانی برخوردار نیستند. با این حال، با توجه به شرایط بین‌المللی و اوضاع داخلی ایران، حزب توده آن را وارد گفتمان خود می‌کند.

متن (۱)

مأمورین دولت دکتر مصدق همه‌جا با جنبش صلح ملت ایران کینه‌توزی می‌کنند. از ابتدای تشکیل کابینه جدید تاکنون مأمورین دولتی همه‌جا با نهایت بی‌شرمی، جنبش مقدس مردم ایران در راه صلح را مورد حمله کینه‌توزانه قرار داده‌اند (به سوی آینده، ۶ / خرداد / ۱۳۳۰).

متن (۲)

دسائس ضد صلح دولت دکتر مصدق، اراده قاطع مردم ایران را در ادامه راه درخشان صلح منحرف نخواهد کرد (به سوی آینده، ۶ / مرداد / ۱۳۳۰).

متن (۳)

فشار شدید به کارگران در تمام نقاط کشور ادامه دارد. گویی سیاست عمومی دولت در تمام نقاط ایجاد اختناق، فشار به طبقات ضد استعماری، جلوگیری از نهضت صلح و به تخته شلاق بستن کارگران بیدار و مبارز است (به سوی آینده، ۱ / شهریور / ۱۳۳۰).

متن (۴)

ملت ایران، ارتش شوروی را ارتش صلح و حافظ حق حاکمیت ملل می‌داند و به او احترام می‌گذارد (شهباز، ۳ / اسفند / ۱۳۳۰).

متن (۵)

مسلك ما در جهان صلح و صفاست / صلح‌جو با ما رفیق و آشناست
آشنا داند صدای آشنا / هر که خواهد جنگ و کین، راهش خطاست (چنگر، ۲۰ / آبان / ۱۳۳۰)

در این متون حساسیت حزب توده را در مورد یکی دیگر از مفاهیم مثبت یعنی "صلح" می‌توان دید. از نگاه این حزب، سیاست دکتر مصدق "ضد صلح" است. این در حالی است که حزب توده "خود" را "صلح‌طلب" می‌خواند و با نگاهی مثبت به "خود"، حامی و پشتیبان صلح‌جویان جهان را اتحاد جماهیر شوروی و ارتش صلح‌دوست آن عنوان می‌کند.

نتیجه‌گیری

حزب توده در جریان پردازش گفتمان ویژه خود دال‌های شناوری مانند "ملت"، "حکومت ملی"، "منافع ملی"، "فانون"، "پیشرفت و ترقی"، "استقلال"، "دموکراسی"، "امنیت"، "آزادی" و "صلح" را از حوزه گفتمان‌گونگی وارد نظام معنایی خود ساخت و به آن‌گونه که مورد قبول فضای گفتمانی "خود" بود به آن‌ها معنا بخشید. بسیاری از این "عناصر" در گفتمان اولیه مارکسیستی از جایگاهی برخوردار نبوده‌اند. این حزب، با مفصل‌بندی "عناصری" که حال در

گفتمان "خودی" تبدیل به "وقته" شده‌اند و قرار دادن آن‌ها در یک زنجیره هم‌ارزی حول دال مرکزی "سوسیالیسم" سعی در ارائه گفتمانی متفاوت از "دیگران" و به چالش کشیدن رقیبان دارد.

گفتمان‌های رقیب یا دیگری‌های حزب توده در آن دوران، گفتمان جبهه ملی، گفتمان اسلام سیاسی و گفتمان پهلویسم بودند. به این ترتیب می‌توان گفت که "اخبار" حزب توده، نمایندگان این گفتمان‌ها یعنی جبهه ملی، حزب زحمت‌کشان، حزب ایران و حزب پان‌ایرانیست، گروه‌های مذهبی و بالاخص فدائیان اسلام و مجمع مسلمانیان مجاهد، شاه و درباریان و روزنامه‌های وابسته به آن‌ها نظیر *اطلاعات*، *شاهد*، *باختر امروز*، *تهران مصور* و *طوفان* و غیره بودند.

اما چنان‌که ملاحظه شد در گفتمان حزب توده، جبهه ملی بیش از گروه‌های دیگر آماج خصومت بود. این حزب که داعیه پیشگامی مبارزه ضد استعماری توده‌های مردم ایران را داشت از اینکه می‌دید دکتر مصدق و ائتلاف جبهه ملی رهبری جنبش را به عهده گرفته‌اند و از پشتیبانی اکثریت مردم نیز برخوردارند، سخت خشمگین بود و به همین سبب مخالفت سرسختانه‌ای را با دولت دکتر مصدق آغاز نمود. طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۱، و در پی تضعیف استبداد سلطنتی، گفتمان جبهه ملی که ریشه در گفتمان مشروطه داشت در میان افکار عمومی از "قابلیت دسترسی" بهتری نسبت به دیگر گفتمان‌ها برخوردار بود. این امر ناشی از وجود نهادهای مشروطیت از جمله قانون اساسی و آشنایی مردم با اندیشه مشروطه بود. جبهه ملی طیفی گسترده از نیروهای سیاسی از روحانیون و روشنفکران مذهبی گرفته تا روشنفکران سکولار را در بر می‌گرفت که وفاداری به مشروطیت و آرمان‌های آن، نقطه اشتراک آن‌ها به‌شمار می‌آمد. این امر "اعتبار" لازم را به این گفتمان اعطا می‌کرد. حزب توده برای کسب موقعیت هژمونیک باید با این گفتمان به رقابت برمی‌خاست. شاید به این دلیل است که نشریات حزب توده به دیگر احزاب موجود در کشور به صورت خیلی پراکنده و جزئی می‌پرداختند و آن‌ها را به گونه‌ای وابسته به دولت و جناح حاکم تلقی می‌کردند.^۱

حزب توده در تبلیغات خود، رهبران ملی را "عوام‌فریب" و دکتر مصدق را "آخرین تیر ترکش استعمار" (به سوی آینده، ۲۶ / اردیبهشت / ۱۳۳۰) معرفی می‌کرد. به نظر حزب، جبهه ملی "یک جریان دروغین رفورمیستی" (روزنامه به سوی آینده، ۲ / مرداد / ۱۳۳۰) و "جبهه امپریالیستی ضد ملی" (به سوی آینده، ۱ / مرداد / ۱۳۳۰) بود که با شعارهای فریب‌کارانه سعی در انحراف توده‌های ملت از مبارزه صحیح و عمیق اجتماعی داشت. این حزب در گفتمان خود برای توصیف جبهه ملی از واژه‌هایی مانند "دروغگو"، "ملت‌کش"، "ضدمشروطه"، "ضدملت"، "نوکر امپریالیسم"، "فاشیست خائن"، "سازشکار" و "وطن‌فروش" به‌سهولت بهره می‌برد. این القاب در بیشتر متون چاپ شده در مطبوعات حزب توده نظیر به سوی آینده، شهباز، چلنگر و

آخرین نبرد به چشم می‌خورند. این موارد نشان می‌دهد که نگاه حزب توده به دیگری‌های خود و به‌ویژه جبهه ملی از نوع سخت و انعطاف‌ناپذیر بوده است.

در اواخر سال ۱۳۳۱ و به‌خصوص همزمان با قیام سی تیر، سیاست حزب توده در برابر دولت مصدق دچار سردرگمی عجیبی شد و بعضی از رهبران آن سعی کردند جبران مافات کرده و مشی حزب در قبال مصدق را تصحیح کنند (طبری، ۱۳۶۶: ۱۵۶). روزنامه دژ در تاریخ ۲۹ تیر/۱۳۳۱ تغییر موضع نسبی حزب توده نسبت به دکتر مصدق را در قالب این جملات بیان می‌کند:

دعوت جمعیت ملی مبارزه با استعمار از کلیه افراد میهن‌پرست و ضد استعمار؛ ملت ایران از کلیه احزاب و سازمان‌ها و جمعیت‌ها و شخصیت‌هایی که مدعی مبارزه با استعمارند، از آقایان آیت‌الله کاشانی، دکتر مصدق، جبهه ملی و سازمان‌های وابسته به آن برای تشکیل یک جبهه واحد ضد استعمار دعوت می‌کند.

با این حال، این انتظار که حزب توده در برابر کودتا دست به دفاع از مصدق خواهد زد، در عمل تحقق نیافت (ورقا، ۱۳۸۴: ۲۱۷). البته با وجود حمایت بعضی از سران حزب از جبهه ملی و دکتر مصدق، مخالفت صریح شمار زیادی از اعضای حزب توده با این جبهه همچنان ادامه داشت و در مطبوعات این حزب انعکاس می‌یافت. علت این امر را باید در تصویری انعطاف‌ناپذیری جست‌وجو کرد که تا پیش از این، حزب از جبهه ملی به‌عنوان مهم‌ترین دیگری داخلی خود ارائه می‌کرد.

پی‌نوشت

۱. به‌طور کلی حزب توده تمامی گروه‌های مذهبی و ملی مخالف خود را جزاً "هفت تکه" جبهه ملی به‌شمار آورده و در قطب منفی قرار می‌دهد، هفت تکه‌ای که البته در حال از هم گسیختن است. این حزب معتقد است که جبهه به ظاهر "ملی و متحد" از درون در حال انشعاب به گروه‌های زیر است: ۱. حزب استقلال به رهبری عبدالقادر آزاد، ۲. حزب خلق زیر نظر آقایان حائری‌زاده و دکتر شایگان، ۳. حزب "بی‌نام" به رهبری دکتر فاطمی و حسین مکی، ۴. مجاهدین اسلام [مجمع مسلمانان مجاهد] آقای کاشانی، ۵. فدائیان اسلام نواب صفوی، ۶. بقایای جبهه ملی به رهبری پیشوا ۷. حزب زحمتکشان ملت ایران (به سوی آینده، ۲۹/۲/۱۳۳۰).

منابع

آبراهامیان، یرواند. *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، نشر نی ۱۳۷۷.
تاجیک، محمد رضا. *گفتنمان و تحلیل گفتنمانی: مجموعه مقالاتی از دکتر محمدرضا تاجیک، شعبانعلی بهرامپور، دایان مک‌دانل و ... انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.*
تاجیک، محمدرضا. *گفتنمان، یادگفتنمان و سیاست، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳.*
جاسبی، عبدالله. *تأملی در مقوله احزاب سیاسی در ایران، دفتر فرهنگ مقاومت، ۱۳۸۱.*

جامی، گذشته چراغ راه آینده است: تاریخ ایران در فاصله دو کودتا ۱۳۳۲-۱۲۹۹، چاپ ششم، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷.

جمعی از پژوهشگران، حزب توده: از شکل‌گیری تا فروپاشی ۱۳۶۱-۱۳۲۰، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷.

حسینی‌زاده، محمدعلی. "نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی"، مجله علوم سیاسی، ش ۲۸، ج ۷، ۱۳۸۳.

حسینی‌زاده، محمدعلی. *اسلام سیاسی در ایران*، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۶.

حقیقت، صادق. *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۸۵.

زعیم، کورش. *جبهه ملی ایران: از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد*، نشر تاخ و انتشارات ایران مهر، ۱۳۷۸.

سلطانی، علی‌اصغر. *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت و مطبوعات در ایران*، نشر نی، ۱۳۸۴.

سلطانی، علی‌اصغر. "گفتمان به مثابه نظریه و روش"، *مجله علوم سیاسی*، سال هفتم، ش ۲۸، ۱۳۸۳.

شیرازی، اصغر. *مدرنیت، شبهه و دموکراسی: بر مبنای مطالعه موردی حزب توده*، نشر اختران، ۱۳۸۶.

طبری، احسان. *کژراهه: خاطراتی از تاریخ حزب توده*، امیرکبیر، ۱۳۶۶.

فرکلاف، نورمن. *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه شایسته پیران و دیگران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹.

کسرایی، محمد سالار و علی پوزش شیرازی. "نظریه گفتمان لاکلا و موفه: ابزاری کارآمد برای در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی"، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۹، ش ۳، ۱۳۸۸.

مدیرشانه‌چی، محسن، *احزاب سیاسی ایران: با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها*، چاپ اول، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.

مدیرشانه‌چی، محسن. *پنجاه سال فراز و فرود حزب توده ایران*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

منوچهری، عباس و دیگران. *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، سمت، ۱۳۸۷.

نوذری، عزت‌الله. *تاریخ احزاب سیاسی در ایران*، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۰.

ورقا، ماشاء‌الله. *ناگفته‌هایی پیرامون فروریزی حکومت مصلح و نقش حزب توده ایران*، انتشارات بازتاب نگار، ۱۳۸۴.

ون‌دایک، تون‌ای. *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*، گروه مترجمان، مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۷.

هوارث، دیوید. "نظریه گفتمان"، *ترجمه سیدعلی‌اصغر سلطانی*، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۲، ۱۳۷۷.

روزنامه به سوی آینده، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲ بهمن ۱۳۳۱.

روزنامه شه‌باز، ۱۸ آذر ۱۳۳۰ تا ۳۰ بهمن ۱۳۳۱.

روزنامه آخرین نبرد، از ۳۰ آبان ۱۳۳۰ تا ۲ خرداد ۱۳۳۱.

هفته‌نامه چلنگر، اسفند ۱۳۲۹ تا اسفند ۱۳۳۱.

Jorgensen, M. & Philips, L. *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: Sage Publications 2002.

Smith, A. M. *Laclau and Mouffe: the Radical Democratic Imagery*. London: Routledge 1998.

Torring, J. *New Theories of Discourse: Laclau, Mouffe, and Žižek*. Oxford: Blackwell 1999.

Laclau, E., & Mouffe, C. *Hegemony and Socialist Strtegy: Towards a Radical Democratic Politics*.

London: Verso 1985.